

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۹  
صفحه ۶۳ تا ۸۲

## نقش فضای مجازی در توسعه سیاسی در ایران براساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس

حسین عبداللهی / دانشجویی دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. H\_ab200@yahoo.com

علی محسنی مشتقین / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول). Ali.m@yahoo.com

محمد حسن الهی منش / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. H.elahimanesh@yahoo.com

### چکیده

نظریه کنش ارتباطی هابرماس که ناظر بر شکل گیری فضای عمومی است به صورت یک وضعیت ایده آل در توسعه سیاسی در نظر گرفته می شود. شکل گیری وضعیت ایده آل گفت و گو و به هم خوردن نظم سیاسی پیشین ناشی از کنش ارتباطی سنتی بستری است که می تواند بر شاخص های توسعه سیاسی در جوامع، یعنی نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی، مشارکت اجتماعی و آزادی های فردی تأثیرگذار باشد. در این رابطه توسعه فضای مجازی مثابه ساختار ارتباطی جدید نقش مهمی در توسعه سیاسی دارد. هدف از مقاله حاضر، بررسی نقش فضای مجازی به عنوان زمینه جدید کنش ارتباطی بر توسعه سیاسی از گذر نظریه کنش ارتباطی هابرماس است. این مقاله با بررسی دیدگاه هابرماس در خصوص حوزه عمومی به عنوان نقطه عزیمت نظریه کنش ارتباطی نقش آن را بر شاخص های سه گانه توسعه سیاسی در بستر فضای مجازی تحلیل کرده و با روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه دست یافته که با توسعه فضای مجازی کنش ارتباطی و فضای عمومی هابرماس از حالت ایده ایستی خارج شده و شکل گیری آن و تأثیرگذاری نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی و افزایش مشارکت اجتماعی و آزادی فردی در قالب رخ دادهای اجتماعی امکان پذیر است که در توسعه سیاسی جوامع نقش موثری دارد.

**کلیدواژه:** فضای مجازی، توسعه سیاسی، کنش ارتباطی، هابرماس، ایران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

## مقدمه

«توسعه» یکی از مباحث مهم در فرآیند سیاسی هر کشور به شمار می‌رود. توسعه سیاسی از زمان گسترش اندیشه دموکراسی همواره یکی از پایه‌های آن در دستور کار کشورها قرار گرفته است. سوای توافق در خصوص توسعه سیاسی و گسترش آن در قالب یکی از اندیشه‌های مترقی پیرامون مفهوم و روش‌های توسعه سیاسی اختلاف‌ها و تفاوت‌های گوناگونی وجود دارد. با توجه به تجربه توسعه سیاسی در غرب که عمدتاً ذیل مکتب نوسازی قرار دارد توسعه در بطن دولت و عمدتاً به واسطه حاکمیت به انجام رسیده است؛ به عبارت بهتر توسعه فرایندی است که طی آن دولت با انجام اقداماتی به دنبال پاسخگویی و افزایش کارکردهای خود است.

مفهوم سیاسی در ارتباط با دولت صورت‌بندی شده و نقش اجبارکنندگی دارد؛ به عبارت بهتر نقش جامعه در فرآیند توسعه سیاسی کم‌رنگ شده و عمدتاً دولت‌ها با نقش اجبارکنندگی به سمت خاصی از توسعه حرکت می‌کنند. پس می‌توان بر این اندیشه بود که توسعه سیاسی در بستر جامعه و با بسط به مباحث روانشناسی اجتماعی و خودآگاهی اجتماعی مفصل‌بندی می‌شود.

از این جهت، توجه به توسعه سیاسی بایستی نقش تحولات گوناگون صورت پذیرفته در تحولات اجتماعی و تأثیرات آن بر خودآگاهی اجتماعی را مد نظر قرار دهد. به عبارت دیگر، گسترش سیستم ارتباطی جدید و توسعه فضای مجازی مثابه بستر برخورد اندیشه‌ها و فضای گسترش مفاهیم و خودآگاهی شکل‌گیری مفهوم جدیدی از توسعه سیاسی را در پی داشته است. این‌گونه توسعه سیاسی نیازمند گسترش سیستم ارتباطی در بستر اجتماعی است که خود مفهوم جدیدی از توسعه سیاسی را در بستر اجتماعی شکل می‌دهد.

ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای دارای زمینه‌های توسعه ارتباطی و افزایش ضریب نفوذ فضای مجازی باعث گسترش خودآگاهی اجتماعی شده و توسعه جدید اجتماعی در قالب سرمایه اجتماعی و تأثیرات سیاسی را به همراه دارد. توجه به محورهای جدید توسعه سیاسی در کانون اجتماعی در کنار گسترش سیستم مجازی دارای اهمیت است. مقاله حاضر با بررسی گسترش فضای مجازی به عنوان نوعی از کنش ارتباطی به بحث توسعه می‌پردازد که شکل دهنده نوع جدیدی از ارتباطات و فهم برای رویکرد توسعه سیاسی در جوامع می‌تواند باشد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد قیاسی در قالب نظریه کنش ارتباطی هابرماس با تأکید بر حوزه عمومی و گردآوری کتابخانه‌ای همچنین

بهره گیری از متون معتبر به دنبال برساخت حوزه عمومی و شاخص های توسعه در بستر فضای مجازی است.

### پیشینه پژوهش

محمد صادق مهدوی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس» به این موضوع توجه دارند که نظریه کنش ارتباطی هابرماس، هسته اصلی نظریه فلسفه اجتماعی او به شمار می‌رود. هابرماس برای توصیف مدل نظری خود از حوزه‌های سه گانه علائق انسانی کمک گرفته و آن را با انواع شناخت، رسانه و علک مخصوص به هر یک پیوند می‌دهد. برای درک و فهم محتوای این نظریه بایستی زمینه توسعه کارهای هابرماس به ویژه مفاهیم حوزه عمومی، جهان زیست و نظام مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش، برای تبیین تئوری کنش ارتباطی از نقطه نظر عزیمت هابرماس یعنی به حوزه عمومی شروع کرده و پس از بررسی و تحلیل سیستم‌های شناخت و بازسازی نظریه انتقادی از دید هابرماس، توجه به فرآیندهای جهان زیست و نظام را مد نظر قرار داده و در نهایت تصویری از کنش ارتباطی ارائه می‌دهد.

مانا دشتگلی هاشمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحولات کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران» در این مقاله، رویدادها و مصادیق تاریخی‌ای که در فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات دهم ریاست جمهوری، مبین تشکیل یا عدم تشکیل کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی بوده‌اند، روایت و سپس بر اساس مطالعه تطبیقی بر مبنای «جبری بولی» مقایسه شده‌اند. این پژوهش با هدف شناخت بیشتر و بهتر جامعه ایران و شناسایی فراز و فرودهایی که جامعه ایرانی از مشروطه تا کنون در مسیر دستیابی به دموکراسی بر پایه کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی طی کرده است، می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که رابطه میان کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی چگونه تبیین می‌شود. بازه تاریخی مربوط به ملی شدن نفت، در میان این پنج برش تاریخی، تنها مقطع تاریخی است که تلاش ایرانیان برای دستیابی به دموکراسی، به واسطه حضور کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی به نتیجه رسیده است و پیامدش یعنی دموکراسی را ممکن کرده است.

هادی خانیکی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله «تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران» بر این باور هستند که سازوکارها و ابزارهای ارتباطی اینترنت، به دلیل فراهم کردن امکان تعامل، اشتراک گذاری و شکل گیری

شبکه‌های ارتباطی در بین کنشگران فضای سایبر، از دیدگاه علوم ارتباطات و جامعه‌شناسی مقوله‌ای دارای اهمیت است. بررسی تعامل انسان-انسان در فضای سایبر، و تأثیر این گونه تعامل‌های متکی به سازوکارهای ارتباطی فناوری اینترنت، می‌تواند منجر به طرح این فرضیه شود که: بستر ارتباطی اینترنت، دارای پتانسیل ایجاد الگوهای نوین کنشگری است و نوع ابزار ارتباطی مورد استفاده کنشگران و میزان مهارت آنان در کاربرد ابزار ارتباطی، الگو و سطح تعامل کنشگران را در فضای سایبر تعیین می‌کند. جامعه آماری مورد مطالعه، کنشگران فعال در چهار سرویس دهنده اصلی وبلاگ نویسی فارسی و چهار سایت شبکه‌های اجتماعی فضای سایبری ایران بودند. نتایج پژوهش نشان داد که بین الگوهای کنشگری، بیانی و دسترسی در نظام تعاملی انسان-انسان در اینترنت، و سازوکارهای ارتباطی این فناوری رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون نشان داد که میزان این رابطه، در حد کم است.

در مطالعات پیشین عمدتاً بر الگوی کنش ارتباطی و تأثیر آن بر فضای تعاملات انسانی در فضای واقعی مورد بررسی قرار گرفته است، همین‌طور رابطه مثبت میان کنشگران کمتر به عنوان فضای توسعه نگریسته شده این در حالی است که مقاله حاضر بر کنش ارتباطی به عنوان مبانی آگاهی اجتماعی همین فضای گفت‌وگوی ایده آل نگریسته شده و این دو محور در راستایی توسعه سیاسی قرار دارد که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در پویای سیاسی جامعه به صورت یک چارچوب نظری قابل توجه داشته باشد. از این رو، این مقاله از جهت، تأمین چارچوب تحلیلی و نقش الگوسازی برای مدل‌های توسعه با توجه به شاخص‌های توسعه دارای اهمیت و نوآوری است.

### چارچوب نظری

پژوهش حاضر بدان سبب که از تأثیر گسترش سیستم ارتباطی بر توسعه سیاسی بهره می‌برد، به چارچوب نظری کنش ارتباطی هابرماس به منظور بررسی تأثیرگذاری بر توسعه سیاسی توجه می‌کند. از این رو، به صورت مبسوط به بررسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس می‌پردازیم تا بتوانیم دست به تحلیل کنش ارتباطی در فضای جدید ارتباطی بزنیم. نظریه کنش ارتباطی هابرماس از جمله نظریات جدیدی است که با توجه به کنش بین افراد جامعه دست به تبیین شکل‌گیری ساختارهای جدید می‌زند. هر چند فضای ترسیم شده عمدتاً در قالب گفتگو مد نظر است اما می‌توان این نوع کنش را به حوزه عمومی در فضای مجازی نیز تسری داد. هابرماس نظریه پرداز است که در چارچوب سنت نظریه انتقادی گام بر می‌دارد و طی چند دهه حیات فکری خویش، در زمینه مقابله با انواع سلطه‌ها به خصوص

سلطه‌های فکری تلاش کرده است. فلسفه عقلانیت ارتباطی، بر جهت کارایی عقل در الگوی مفاهمه متقابل تاکید می‌کند. «زبان»، که قلب این نوع عقلانیت را شکل می‌دهد، در کنار توانایی کار و تعامل اجتماعی، به عنوان یکی از ممیزه‌های بنیادی انسان به کار می‌رود. زبان در آنجا به عنوان واسطه‌ای در نظر گرفته می‌شود که انسان‌ها خودشان را از طریق آن بیان می‌کنند و به کنش‌ها و گفته‌های دیگران معنی می‌بخشند. (Edgar, 2006:77)

زبان نه صرفاً به منظور انتقال اطلاعات، بلکه برای اجرای کنش‌های اجتماعی است. بنابراین، علاقه هابرماس به زبان در درون علاقه وسیع‌تر آنچه که «توانش ارتباطی» می‌نامد، قرار می‌گیرد، یعنی در توانایی انسان‌ها، نه فقط نسبت به مشارکت در اطلاعات معنی دار، بلکه همچنین نسبت به خلق و ایجاد روابط اجتماعی و نسبت به تحقق تعامل اجتماعی ما بین یکدیگر اطلاق می‌گردد. (Edgar, 2006:79)

هابرماس، عقلانیت ارتباطی را به عنوان یک دیدگاه جدید و مستقل، اولین بار در کتاب دو جلدی خود تحت عنوان نظریه کنش ارتباطی ارائه داد. طبق این استدلال آدمی برای بقاء و رشد و نمو بایستی هم قادر به کنترل محیط طبیعی خود باشد (از طریق علم و فناوری) همچنین توانا به ارتباط موثر تا بتواند خود را در گروه‌های اجتماعی کارآمد و پیچیده سازمان دهد. بنابراین در آنجا، عقل ارتباطی که در قالب یک مدل هرمنویتیکی ایفای نقش می‌نماید، به عنوان مکمل برای عقل ابزاری مطرح می‌گردد. عقل ارتباطی به تنهایی کافی نیست و نیازمند تکمیل شدن با تئوری انتقادی است تا به رسوخ در انحرافات نظام مند قادر باشد که به علت نابرابری‌های سیاسی موجود در جامعه امکان ارتباط را از میان برده است. عقل ارتباطی، بازتاباننده تمرین و پرورش یک توانایی بنیادی است که در همه انسان‌ها، حداقل به صورت بالقوه، موجود است (حاتمی و روشن چشم، ۱۳۹۱:۱۰۲).

این توانایی بنیادی عبارت است از قابلیت درگیر شدن با دیگری در استدلال انتقادی و عقلانی. عقلانیت ارتباطی، عقلانیتی است که با پیش فرض امکان گفتگو بر تمرین و پرورش عقل طی یک فعالیت جمعی و همگانی مبتنی است. عقلانیت ارتباطی، اولاً نه یک فرایند هرمنویتیکی، بلکه حاصل یک فرایندی است که شرکت کنندگان در یک گفت‌وگو یا در هر تعامل اجتماعی لازم می‌دانند که آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند را توجیه نمایند. این فرایند باید چنان باشد که اگر گوینده‌ای توسط افراد دیگر به چالش کشیده شود، آن گوینده بخواهد و بتواند شواهد و دلایل لازم را در حمایت از باورهای خود، راجع به جهان و محق بودنش نسبت به انجام کنش‌هایی که اکنون انجام می‌دهد ارائه نماید. ولی اگر در مواجهه با

چالش‌های موجه و معقول وی، فرمان خود را مثلاً از طریق تهدید به اجرا در آورد، آن وقت عقل ارتباطی فرو خواهد ریخت. (Edgar 2006, 23-5)

هابرماس، عقل ارتباطی را به منزله مرجعی می‌نگرد که می‌توان با استفاده از آن مجموعه باورها، ارزش‌ها و مهارت‌هایی را که حین رشد و نمو در جامعه به دست می‌آوریم و با آنها اجتماعی می‌شویم، وقتی مسئله دار گردند مورد اندیشه قرار دهیم. از طریق همین مرجع، می‌توانیم در باره اهدافی که به طور فردی یا گروهی دنبال می‌کنیم، بیاندیشیم.

هابرماس عقلانیت مد نظر خود را که بر وابستگی و ربط متقابل اشکال گوناگون استدلال و منطق عملی استدلال مبتنی می‌سازد، از «عقلانیت هدف نگر»، که با بعد شناختی - ابزاری در تناسب می‌باشد، غنی تر و پربار تر می‌داند. چرا که از نظر او، مفهوم و تلقی ارتباطی عقلانیت، علاوه بر اینکه پتانسیل عقلانی موجود در مبنای اعتبار گفت‌وگو را آشکار می‌نماید، حوزه‌های اخلاقی - مکملی و همچنین زیبایی شناختی - بیانی را نیز در خود جای می‌دهد (حاتمی و روشن چشم، ۱۳۹۰: ۵۲).

عقل ابزاری که بر محاسبه موثرترین ابزارها برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده متمرکز است، دارای یک فرایند اندیشیدن «تک-گویانه» است که بی آن که موضوع را با فرد دیگری به بحث بگذارد، به دنبال پاسخ‌ها می‌گردد. اما تئوری عقلانیت ارتباطی هابرماس با این نوع تصمیم‌گرایی سر سازگاری ندارد و اهداف، ارزش‌ها و امور عملی ما و حتی فهم جهان را نه یک موضوع شخصی بلکه یک موضوع جمعی در نظر می‌گیرد.

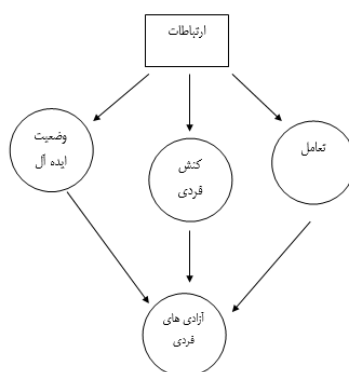
چنین عقلانیت ارتباطی دلالت‌های ضمنی یک نیروی غیر اجباری ولی در عین حال وحدت بخش و اجماع-آفرین یک گفتمان را به همراه دارد که شرکت کنندگان در آن گفتمان، با حمایت از توافق بر خواسته از عقل، بر کژاندیشی‌های اولیه خویش فایق می‌آیند. (Habermas, 1998:315).

معرفت با تمامیت خود نزد هیچ ذهن منفردی یافت نمی‌شود بلکه هر ذهن شناسانده‌ای بهره‌ای خاص نزد خود دارد که بایستی ما تلاش کنیم زمینه چکاندن آن بهره و نیز به هم پیوستن این بهره‌ها و راه افتادن جویبار معرفت را فراهم سازیم. فرایند عقلانیت ارتباطی که در بردارنده یک عمل ارتباطی است که معطوف به حصول، حفظ و تجدید وفاق و اجماع است و در واقع معطوف به اجماعی است که مبتنی بر پذیرش بین الاذهانی داعیه‌های نقد پذیر اعتبار باشد. عقلانیت موجود در درون این عمل، در این امر نهفته است که یک توافق به دست آمده بر اساس ارتباط، سرانجام بایستی بر استدلال‌ها متکی باشد. و عقلانیت کسانی

که در این عمل ارتباطی مشارکت می‌نمایند از این طریق معین می‌گردد که آیا آنها توانسته‌اند در موقع لزوم و تحت شرایط مناسب، دلایلی برای اظهارات خود فراهم نمایند یا نه (هابرماس، ۱۳۸۲: ۸۵).

اما گفت‌وگوها باید در شرایط ایده‌آل باشد، آنچه در باره این شرایط مهم است این است که این شرایط مستلزم این باشند که بین شرکت‌کنندگان در مکالمه، هیچ عدم توازن قدرت وجود نداشته باشد. هیچ‌کس نتواند با زور و اجبار عقیده خود را به دیگری تحمیل نماید و نتواند کسی را از مباحثه محروم نماید یا مانع طرح مسائل و چالش‌ها توسط دیگران گردد. تمام شرکت‌کنندگان بایستی از فرصت برابر برای مشارکت برخوردار باشند آنها باید حق اظهار دفاع یا پرسش از هر نوع مدعای واقعی یا هنجاری را داشته باشند (میناوند و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۱). مهم‌تر اینکه شرکت‌کنندگان در موقعیت ایده‌آل گفت‌وگو باید صرفاً به سبب تمایل به دستیابی به توافق و اجماع در مورد صدق گزاره‌ها و اعتبار هنجارها و ارزش‌ها برانگیخته شده باشند.

نکته مهم که شاید بر توسعه سیاسی و تحول در آن تاثیر می‌گذارد مربوط به نکته وضعیت ایده‌آل گفت‌وگو است که این وضعیت در فضای مجازی به خوبی حاصل می‌گردد. بر این اساس، شاخص‌های اصلی اندیشه هابرماس در کنش ارتباطی با فضای ایجاد شده در حوزه مجازی را به عنوان بستر شکل‌گیری این عقلانیت ارتباطی و در نهایت چارچوب توسعه سیاسی در ایران مورد توجه قرار می‌دهیم. در این شرایط ساختاری میزان کنش فردی و امکان عمل مستقل آن افزایش می‌یابد که خود منشاء آزادی‌های فردی بشمار می‌رود. بر این اساس افزایش سطح ارتباطی و تعامل می‌تواند کنش فردی و در وضعیت ایده‌آل یعنی غیر هژمون باعث افزایش قابلیت آزادی فردی می‌گردد که در مدل ذیل نشان داده شده است.



### تحلیل نظریه کنش ارتباطی و چارچوب‌های مجازی آن

نظریه کنش ارتباطی، یکی از شناخته شده‌ترین ایده‌های هابرماس است که در آن کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند. در واقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا ثابت نماید که منازعات اجتماعی به طور ایده آل می‌بایست بدون قهر و خشونت حل و فصل گردد و برای رسیدن به این منظور، بایستی نظامی اجتماعی تحقق یابد که در آن تصمیمات و به اجرا درآوردن آن‌ها، از طریق استدلالی صورت گیرد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳).

هابرماس برای رسیدن به این ایده، از مفهوم عقلانیت شروع می‌کند. عقلانیت از نظر او، به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کنند، اما به معنای کلی تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند، طی این نوع استدلال، توافق غیر تحمیلی توسعه می‌یابد. برای فهم این قضیه، هابرماس از مفاهیم جهان زیست و نظام کمک می‌گیرد. به نظر او همبستگی جوامع به وجود رابطه متعادل بین فرآیندهای جهان زیست (فرهنگی - اجتماعی) و نظام (اقتصادی - سیاسی) بستگی دارد (نوذری، ۱۳۸۹: ۲۱) که در جوامع مدرن این تعادل به نفع نظام جا به جا شده است و باعث بروز بحران گشته است. راه حل این بحران بازگرداندن این تعادل و توجه به حوزه عمومی می‌باشد که این حوزه از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل احیاء خواهد شد (Habermas, 1972: 8).

به طور کلی، هابرماس درصدد ایجاد رابطه‌ای بین سطوح خرد و کلان می‌باشد و این رابطه را از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل بین کنشگران پیگیری می‌نماید و کنش ارتباطی را به عنوان مرکز و اصل تئوری خود قرار می‌دهد. جامعه مورد نظر هابرماس، جامعه‌ای است که کنشگران می‌توانند بدون تحریف و به طور باز با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به درک مشترک برسند و تفاوت‌های شان را از طریق استدلالی که آزاد و فارغ از محدودیت‌ها و فشار می‌باشد برطرف نمایند. به عبارت دیگر، هابرماس دوباره حوزه عمومی را احیاء کرده تا زمینه برای کنش ارتباطی بین کنشگران فراهم گردد.

فضای مجازی به منزله عرصه تبادل اطلاعات و امکان برقراری ارتباط به صورت فردی و گروهی بستر ساز شکل‌گیری حوزه جدیدی است. به عبارتی، فضای مجازی فارغ از سطوح فنی و نرم افزاری به وجود آمده ارتباط میان اعضای جامعه در ساختار ارتباطی نوین است. اگرچه در نگاه نخست فضای مجازی بدلیل نوپا بودن در جوامع کمتر مورد اعتماد و



اطمینان شهروندان قرار می‌گیرد، با این حال فضای مجازی بدلیل ایجاد کننده بودن سطح برابری و امکان گفتگو و حتی گفت‌وگوی گروهی تبیین‌گر حوزه عمومی است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰). هابرماس در شکل دادن به حوزه عمومی که نقطه عزیمت نظریه وی به‌شمار می‌رود، کمتر به زیرساخت‌های ارتباطی در آن گذر زمانی توجه کرده بود و شکل دادن به این حوزه در جامعه انسانی که بر اساس ارتباطات چهره به چهره و در قالب‌های حزبی قرار داشتند بسیار دشوار می‌نمود. فضای مجازی بستری از کنش ارتباطی که هابرماس در نظر دارد را می‌تواند با قابلیت بالا در خود داشته باشد. امکانات فضای مجازی به خوبی تبیین‌کننده این ساخت می‌باشد، به گونه‌ای که حتی فضای مجازی از حصار ملت‌ها عبور کرده و قابلیت جهانی و فرا ملی را نیز بخود می‌گیرد. برای نمونه تشکیل گروه‌های متنوع مانند حقوق حیوانات در فضای مجازی و امکان پیوستن افراد و دعوت آنان به گروه که اختیارات گفت‌وگو و مطالعه بحث‌ها را برای اعضا تأمین می‌کند، علاوه بر اینکه فارغ از فضای اقتدارگرایی است، حتی افراد می‌توانند با پروفایل‌های جعلی حضور داشته و خواست‌های خود و نظرات را به راحتی بیان کنند (Cavelty, 2007: 146).

به عبارت بهتر، افراد در حوزه عمومی از طریق مفاهیم و استدلال و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی (خود خواسته) یا بیرونی (قهری) و بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف‌های مشارکت کننده در حوزه عمومی مذکور، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند که در نهایت به صورت ابزاری موثر برای تاثیرگذار کردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کنند (Habermas, 1984: 81). بر این اساس، فضای مجازی بستر ارتباطی است که به خوبی با تشکیل اتاق‌های گفت‌وگوی مجازی و موردی پیرامون موضوعات سیاسی و اجتماعی امکان عقلانی شدن و تحت تاثیر قرار دادن رفتار دولتی بر اساس خواست اجتماعی را تولید کند. اگر چه زمانی سخن گفتن از این گونه فضای عمومی آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسید، اما اکنون با توسعه فضای مجازی تا حدود قابل توجهی این آرمان تحقق پیدا کرده است. پیش از پرداختن به نقش فضای مجازی در شکل‌گیری حوزه عمومی، لازم است نگاهی به فرآیند این حوزه و دیدگاه‌های گوناگون را نسبت به آن داشته باشیم.

به طور مشخص مفهوم حوزه عمومی در اندیشه کانت در بستری از طرح روشنگری آن شکل گرفت. در این نگاه حوزه عمومی بکارگیری عقل و خرد فردی به طور آزادانه در

جامعه را مد نظر قرار می‌دهد. اگر چه عقلانیت فرد مدرن در سطح خصوصی محدود است، اما با قرار گرفتن در فضای عمومی به صورت روشنگرانه نمود پیدا می‌کند. به عبارتی، بورژوازی خصوصی به شهروند تبدیل می‌شود. این دیدگاه توسط هگل و شکست‌های انقلاب فرانسه به صورت شناخت سطحی بازنمایی شد. هگل با نگاهی بدبینانه به حوزه عمومی آن را صرفاً نوعی شناخت در سطح عمومی که عمدتاً سطحی است ترسیم می‌کند و بر این اساس است که مارکس از آگاهی کاذب در حوزه عمومی سخن گفته و عرصه عمومی را نه بستر عقلانی از کنش و شناخت بلکه مظهر اختلاف طبقاتی و نزاع ارزیابی می‌کند. بر این اساس، زمانی می‌توان از حوزه عمومی واقعی سخن گفت که انقلاب خشونت آمیزی اختلافات طبقاتی را از بین برده باشد. با تمام این وجود، هابرماس از فرآیندی تاریخی سخن می‌گوید که در آن نظم‌های سنتی گسسته و با ورود روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون گفت‌وگو توسط افراد پیرامون موضوعات اجتماعی افزایش یافته و گسترش بازار آزاد بر فروپاشی هرچه بیش تر نظم فئودالی باعث شده تا عرصه سیاست گسترده تر و قابل بحث شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸).

در این بستر بزرگترین مانع در شکل‌گیری و گسترش فضای عمومی رشد روز افزون بوروکراسی اداری جهت کنترل و نظارت بر تمامی ابعاد زندگی شهروندی است که با رشد سرمایه داری باعث کاهش آزادی‌های فردی گردیده و مانعی بر توسعه فضای عمومی به‌شمار می‌رود. روشن است که این عامل ممانعت‌کننده برای رشد حوزه عمومی با گسترش فناوری و افزایش سطح ارتباطات میان افراد جامعه بر موانع غلبه کرده، فضای مجازی می‌تواند بر دوری از روند بروکراسی بر آزادی‌های فردی و فضای گفت‌وگوی جمعی پیرامون موضوعات اجتماعی و سیاسی تاکید داشته باشد. بنابراین، فضای مجازی به نوعی ابزار مناسب جهت توسعه ارتباطات و شکل دادن به حوزه عمومی فارغ از کنترل دولتی و یا اقتدارهای ناشی از مراجع حکومتی است.

از دیگر ویژگی‌های فضای عمومی که می‌تواند عقلانیت ارتباطی را به همراه داشته باشد و بر توسعه آن تاثیرگذار باشد، گفت‌وگو در وضعیت ایده آل است. فضای عمومی هابرماسی را اندیشمندان عمدتاً آرمان‌گرایانه در نظر گرفته‌اند. چرا که امکان ایجاد آن با توجه به افزایش جمعیت و محدودیت‌های مکانی و زمانی بسیار دشوار و یا محدود بود. منظور از گفت‌وگو در وضعیت ایده آل ترسیم فضایی است که در آن افراد بدون وجود اقتدار فائقه و در عین حال بدون هرج و مرج بتوانند به گفت‌وگو بنشینند (Habermas, 1998: 112). به

عبارت دیگر، فضای گفت‌وگوی ایده آل امکان بیان نظرات به صورت آزادانه و بدون محدودیت و کنترل است. این وضعیت به خوبی در فضای مجازی امکان پذیر است. به این دلیل که فضای مجازی امکاناتی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که در آن آزادانه به گروه‌های مورد نظر وارد شده و در یک بستر گفت‌وگو با کمترین نگرانی یا تحت تاثیر اعمال قدرت به بیان نظرات خود پیرامون موضوعات بپردازند (رضاییان، ۱۳۹۳: ۸۲).

برای نمونه می‌توان از تشکیل گروه دفاع از حقوق حیوانات و عضویت افراد در آن به صورت اختیاری نام برد که باعث شکل‌گیری بحث‌های مختلف در خصوص چگونگی حفظ گونه‌های حیوانی حتی مقابله با سیاست‌های دولتی در برابر تخریب زیست بوم‌ها می‌شود. شکل‌گیری گروه‌های مختلف برای جلوگیری از سیاست‌هایی که باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شد و تحت عنوان حفظ گونه‌های زیستی آمیا در این دریاچه مطرح شد تلاشی بود تا با اعمال نظرات گوناگون بتوانند مانع از تخریب و مقابله با سیاست‌های ضد محیط زیستی دولتی شوند.

می‌توان نتیجه گرفت کنش ارتباطی هابرماس که ناظر بر شکل‌گیری فضای عمومی است، در این بستر عقلانیت ارتباطی توسعه می‌یابد و در نهایت به گفت‌وگو و توسعه فضای عمومی برای اعمال سیاست‌گذاری‌ها باز می‌گردد. این نوع کنش به خوبی در بستر فضای مجازی بازتولید شده و می‌تواند کنش ارتباطی را آنگونه که در سطح اجتماعی برای توسعه فردی و اجتماعی در قالب فضای عمومی و گفت‌وگو مورد نیاز است به همراه داشته باشد.

### شاخص‌های توسعه سیاسی بر اساس شکل‌گیری حوزه عمومی

«توسعه سیاسی» از بعد نظری جزء مفاهیم با تعاریف گوناگون و در برخی موارد متناقض است. به گونه‌ای که هر کدام از مکاتب سیاسی بازنمایی خاصی از توسعه سیاسی و فرآیند آن دارند. این بخش، با توجه به چارچوب نظری و دوری از خوانش‌های متفاوت پیرامون توسعه سیاسی به مهم‌ترین شاخص‌های آن در جامعه می‌پردازد. متناسب با توجه به نقش جامعه در توسعه سیاسی به خصوص در شکل‌گیری حوزه عمومی سه شاخص مهم در توسعه سیاسی شامل موارد ذیل است.

مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای، نقش اجتماعی و حضور تاثیرگذار افراد در ساخت قدرت سیاسی است. دومین شاخص در توسعه سیاسی مشارکت اجتماعی در فرآیند سیاسی کشور و سومین شاخص را می‌توان فردگرایی و آزادی‌های فردی در عرصه عمومی در نظر گرفت (قوام، ۱۳۷۴: ۴۸). پژوهش حاضر که ناظر بر دیدگاه کنش

ارتباطی می‌باشد، بر این اساس با نوعی بازآفرینی این مفاهیم در چارچوب نقش کنش ارتباطی به خصوص فضای عمومی به هر کدام از شاخص‌ها می‌پردازد.

### ۱-۵- نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی

غالب اندیشمندان سیاسی در بحث از توسعه به شاخص نقش تعیین کننده جامعه بر روبنای سیاسی تاکید دارند. به عبارت دیگر، جامعه به عنوان بستر اصلی رویدادها و اعمال مناسبات قدرت می‌بایستی نقشی تعیین کننده بر این ساخت سیاسی داشته باشد. برای مثال، زمانی که قانونی برای جامعه در دستگاه حاکمیت وضع می‌گردد، اعمال این قانون بر سطوح مختلف زندگی اجتماعی تاثیرگذار بوده و به نوعی استخراج منابع و توزیع آن را در جامعه باعث می‌گردد. قوانین به طور مشخص، آزادی و برنامه ریزی‌های اجتماعی را برای افراد جامعه تبیین می‌کند (Gardner, 2000: 102). بر این مبنا، حضور فعال جامعه در ساخت قدرت به خصوص در توزیع آن میان اقشار جامعه به عنوان سطحی از توسعه سیاسی در نظر گرفته می‌شود. شاید این گونه به نظر برسد که مردم سالاری به عنوان ساختار سیاسی که حضور فعال و گردش نخبگان را در دستور کار دارد به عنوان توسعه سیاسی مد نظر است (قوام، ۱۳۷۱: ۳۲). با این حال، مردم سالاری صرفاً وجهی از زمینه‌های مشارکت اجتماعی در ساخت قدرت است که به واسطه نمایندگی و غیر مستقیم در دولت‌های مدرن شاهد هستیم. هر چند تاریخ مردم سالاری به معنای واقعی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران کمتر مشهود است و پس از انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ ه.ش در قالب مجالس ملی و پادشاهی مشروطه رخ نمود، اما این تاریخ تا پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز مردم سالاری دینی تنها نامی از توسعه و آزادی را به همراه داشت. نقش اجتماعی فارغ از رویکرد مردم سالاری در ایران در ابعاد دیگر به خصوص فضای انتقادی و تغییر نخبگان قدرت کمتر دیده شده است. شاید یکی از دلایل آنان نبودن بستر مناسب جهت حضور فعال و ابراز خواست‌ها و نیازهای سیاسی باشد (خانیکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲). احزاب به عنوان یکی از بسترهای مهم ایفای تاثیرگذاری اجتماعی در ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش پیدا کرد، به دلایل مختلف که از حوصله این بحث خارج است توفیقات چندانی در تزریق جامعه بر ساخت سیاسی نداشت و باعث ناکارآمدی آنان حتی در سطح انتخابات گردید (Babbie, 2006: 12). به گونه‌ای که در اکثر استان‌های ایران به غیر از تهران حضور و نقش احزاب در پیروزی‌های حزبی کم بوده و عمدتاً افراد با چهره‌های مستقل به میدان رقابت آمده یا با برند حزبی اما فاقد فعالیت و ساختار سلسله مراتبی آن حضور داشته‌اند که می‌توان در آمارهای مختلف و

نوع رفتار سیاسی منتخبین مردم شاهد بود. بر این اساس، نقش آفرینی جامعه در ساخت قدرت در قالب جابه جای نخبگان سیاسی، اعمال خواست‌ها و اراده اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی در جوامع مطرح است.

## ۲-۵- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به معنای حضور فعال افراد در صحنه‌های سیاسی و تعیین‌کننده کشور است. مشارکت اجتماعی علاوه بر اینکه بر نقش آفرینی اجتماعی در ساخت قدرت تاثیرگذار است، به عنوان بستر مشروعیت ساز و بدون دخالت در ساخت قدرت می‌تواند پویایی و حرکت سیاسی را در کشور به ارمغان آورد. به طور مشخص مشارکت اجتماعی شامل راهکارهای اعمال نظر و دیدگاه پیرامون رخ داده‌ها، برنامه ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها و زمینه حضور جامعه در عرصه ساخت قدرت است. مشارکت اجتماعی به تنهایی تعیین‌کننده ساخت قدرت نبوده بلکه زمینه ساز فعالیت و جلب پشتوانه مردمی برای سیاستگذاری‌ها در جامعه است (قوام، ۱۳۷۳: ۶۸). لذا، حضور چشمگیر و افزایش مشارکت اجتماعی در هر جامعه‌ای نشان از پشتوانه و اراده ملی برای به حرکت درآوردن چرخ‌های توسعه در کشور می‌باشد. به عنوان مثال، ایران به عنوان یک کشور مردم سالار پس از انقلاب اسلامی تاکید خاصی بر مشارکت اجتماعی داشته و در عرصه‌های مختلف می‌توان شاهد این نوع مشارکت در قالب انتخابات، مراسم‌های مذهبی و راهپیمایی‌های سیاسی بود. با این حال، توسعه سیاسی نیازمند نوعی از مشارکت اجتماعی است که بر اساس خواست جامعه و در فضایی از آزادی به وجود آید؛ زمینه‌هایی که بیش از هر چیز بر اساس احساس تکلیف و تایید فرآیند، حرکت سیاسی و اجتماعی در کشور را ترسیم می‌کند. آنچه که در این خصوص مورد توجه است، افزایش سطح مشارکت اجتماعی در فرآیندها و رخ داده‌های اجتماعی است. برای نمونه شکل‌گیری یک حادثه اجتماعی مانند کشتار حیوانات یا آسیب به محیط زیست امروزه در قالب کمپین‌هایی طراحی و مورد اعتراض قرار می‌گیرد که عمدتاً مجازی هستند. نوع مشارکت در این رخدادها کاملاً بر اساس اصل برابری و امکان بحث بدون اعمال قدرت است همانگونه که هابرماس از وضعیت ایده آل آن سخن می‌گوید. بایستی در تحلیل‌ها به این نکته توجه داشت که فضای ایده آل در نگاه هابرماسی یک سطح از گفتگو است که عمدتاً به صورت رو در رو بوده یا قالب رسانه‌ای دارد در حالیکه این نگاه وضعیت ایده آل گفتگو در بحث به صورت مجازی است و در فضای

مجازی در ابعاد مختلف واقع هست. گفتگو چه به صورت متن، تصویر، صوت یا فیلم صورت می‌پذیرد و در آن وضعیت به خوبی امکان اعمال و مشاهده وجود دارد. بنابراین، مشارکت اجتماعی یکی از دستاوردهای مهم گسترش فضای مجازی به منظور تاثیر و توسعه در جامعه است. امروزه این نوع مشارکت را در گروه‌ها و کانال‌های مختلف مجازی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خوبی شاهد هستیم و از طرفی افزایش دسترسی به اطلاعات به منظور کسب حداکثر قدرت تصمیم‌گیری می‌تواند مشارکت را در کنار آزادی‌های فردی به ارمغان آورد که در بخش بعدی به آن توجه می‌شود.

### ۳-۵- آزادی‌های فردی

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه سیاسی در هر جامعه مربوط به آزادی‌های فردی می‌شود. هر جامعه‌ای با توجه به فرآیند اجتماعی خود متشکل از افرادی است که در خصوص رابطه‌ای جمعی و فردی تصمیم می‌گیرند. به عبارتی، فرد نیازمند تفکیک میان خود و حوزه عمومی است که علاوه بر نقش تعیین‌کنندگی در برابر خواست جامعه بتواند آزادانه مشارکت، اعمال نظر حتی بر خلاف اکثریت اجتماعی داشته باشد و در حوزه فردی و خصوصی خود از آزادی رفتار برخوردار باشد. آزادی فردی ضمن اینکه یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در جوامع محسوب می‌شود، بر اساس مولفه‌های انسانی نیز استوار است. بدین معنی که هر فرد بدلیل انسان بودن برخوردار از آزادی بوده و می‌تواند بر اساس منش آزادی در امور اجتماعی ظاهر گردد (Boyd, 2007: 215). شاید در ابتدا این‌گونه به نظر برسد که افزایش سطح آزادی فردی می‌تواند هرج و مرج را گسترش دهد، با این حال افراد در کنش اجتماعی و ارتباطی متأثر از منطق اجتماعی شده و این عامل در قالب عقلانیت فردی نیز ظاهر می‌شود. فرد با تمام سطوح آزادی فارغ از جامعه زندگی نمی‌کند و شعاع آزادی آن در این کنش ارتباطی ساخته و پرداخته شده و بر اساس عقلانیت ارتباطی استوار می‌گردد. آزادی فردی هم بر مشارکت سیاسی و هم نقش تعیین‌کنندگی و ابراز خواست‌های اجتماعی تاثیر گذاشته و از کنش ارتباطی متأثر می‌شود (Lyotard, 2003: 10). لذا، آزادی‌های فردی آن دسته از رفتار و اعمالی است که بر اساس خواست، نیاز و آرمان فردی واقع گردیده است. ایران به عنوان کشوری که پس از انقلاب اسلامی بر نوعی مردم‌سالاری تاکید داشته است تا حدودی بر این آزادی‌ها صحه گذاشته و به دنبال افزایش شعاع آن در عرصه عمومی و درصدد ممانعت از آسیب‌پذیری‌های آن در برابر اجتماعی و یا نقش اجبارکنندگی دولتی بر می‌آید. با این حال، آزادی‌های فردی می‌تواند در برابر جوامع

پوپولیستی و ایدئولوژیک به شدت آسیب پذیر بوده و انسان را دچار از خودبیگانگی و بدور از شناسایی خواست‌های فردی بکند (قانعی راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱). تاکید بر فرآیندهایی که به این نوع آزادی‌ها نمود بیشتری داده و نوعی متبلور کننده آنان باشد به عنوان فرآیند توسعه سیاسی نگریسته شده است.

شاید این سوال ایجاد شود که فضای مجازی چگونه می‌تواند آزادی‌های فردی را باعث گردد. در ساحت فضای مجازی و نوع عملکرد فردی بر اساس نگاه هابرماس این ارتباط می‌تواند شکل بگیرد که افزایش مشارکت اجتماعی توأم با کاهش میزان سلطه بر فرد باعث فزونی یافتن آزادی‌های فردی می‌گردد. بدین معنا که به هر میزان به وضعیت ایده آل نزدیک می‌شویم، امکان قدرت عمل فردی افزایش می‌یابد و این افزایش زمینه آزادی فردی را بوجود می‌آورد. بر این اساس، رابطه معناداری میان آزادی فردی و توسعه فضای مجازی شکل می‌گیرد که این خود یک نوع از شاخص‌های توسعه فردی است. برای این منظور به خوبی در کنش‌گری و کنش ارتباطی هابرماس نیز این ساختار مشهود است. اگرچه نگاه هابرماس بر فضای واقعی بوده اما این چارچوب به خوبی در چشم انداز فضای مجازی نیز قابل تبیین است. بنابراین، یکی از شاخص‌های تاثیر پذیر در حوزه توسعه فضای مجازی و نقش آن بر توسعه سیاسی رشد روزافزون توسعه فردی است. که در ادامه و نتیجه‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۶- فضای مجازی و تولید شاخص‌های توسعه سیاسی

گسترش فضای مجازی ذیل توسعه شبکه‌های اینترنت و فیبرنوری باعث شکل‌گیری ابزارهای جدید ارتباطی در جامعه شد. فضای مجازی به محیطی ارتباطی اشاره دارد که افراد می‌توانند بر اساس حساب‌های کاربری خود در آن اقدام به تبادل اطلاعات و گفت‌وگوی فردی و گروهی بکنند. این بخش به بررسی تولید شاخص‌های سه‌گانه توسعه سیاسی که به آنها اشاره شد با فضای مجازی می‌پردازد. باید در نظر داشت این شاخص‌ها خود برگرفته و بازتولید کننده کنش ارتباطی مورد نظر هابرماس است که اشاره به فضای عمومی، وضعیت گفت‌وگوی ایده آل و توسعه ارتباطات دارد. بر این اساس، فضای مجازی در بستری از فضای عمومی و وضعیت گفت‌وگوی ایده آل تولید کننده شاخص‌های توسعه سیاسی است. یکی از محصولات فضای مجازی شکل دادن به جامعه مجازی است. جامعه مجازی به روشنی بیانگر مجموعه‌ای از افراد هستند که بر اساس کنش ارتباطی ناشی از ساختار فضای مجازی به صورت یک المان در یک ژئوپلیتیک تعریف شده، شکل می‌گیرد (خانیک‌ی و

همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۱). به طور مثال، جامعه مجازی آذربایجان نشان دهنده حضور فعال افراد در قالب جغرافیای آذربایجان ایران در حوزه مجازی هستند. به همین ترتیب، جامعه زنان پیشرو، جامعه اسلامی ایرانیان و غیره که نمونه‌های آنان را به راحتی می‌توان در شبکه‌های اجتماعی شاهد بود. بی تردید، جوامع مجازی نیز به ایجاد فضای گفت‌وگو و بیان موضوعات پیرامون رخدادهای واقعی و ابراز ایده در آن خصوص می‌پردازد. یکی این حوزه‌ها می‌تواند عرصه سیاسی و نقش آفرینی در ابعاد سیاسی را در برداشته باشد (Frodeman, 2007: 102). به عنوان نمونه در زمان بحران‌های اقتصادی یا موضوعاتی چون گرانی در جامعه ایران که در خصوص خودرو، اقلام ضروری یا نرخ ارز در سال‌های مختلف رخ داد، شاهد تولید اطلاعات در این خصوص و راهکارهای مقابله با آن یا نشان دادن دلایل ضعف در بخش‌های گوناگون هستیم. به طور مثال عمده گرانی‌های ناشی از اقلام اساسی در اکثر شبکه‌ها و رویدادهای مجازی بدلیل افزایش نرخ ارز که متقابلاً ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و ایالات متحده امریکا ارزیابی می‌شود. هر چند در برخی از تولیدات اطلاعات پیرامون این موضوع ناکارآمدی و فساد مدیریتی نیز نمود دارند. با این حال این شبکه‌ها با ایجاد اطلاعات و ایفای نقش اجتماعی نشان دهنده خواست، نارضایتی و ارائه راهکارها توسط جامعه است که این خود بیانگر توسعه نقش جامعه به عنوان شاخص توسعه سیاسی است. بر همین منوال، فضای مجازی اعطا کننده تاثیر نقش جامعه در ساخت قدرت بر اساس اعمال نظر و تولید اطلاعات پیرامون رخدادهای سیاسی است. برای نمونه، افزایش نارضایتی‌ها در حوزه ناکارآمدی صنعتی، اقتصادی و بازرگانی در دولت دوم تدبیر و امید و نمود آن در فضای مجازی زمینه‌های استیضاح و تغییر در کابینه را به همراه داشت. مثال دیگر، بر استعفای وزیر امور خارجه ایران (دکتر جواد ظریف) که از طریق شبکه‌های مجازی اطلاع داده شد و سپس حجم انبوه مخالفت‌ها در فضای مجازی در برابر این استعفا باعث گردید که دولت و حاکمیت اقدام به رد درخواست استعفا کند. بر این اساس، فضای مجازی نقش مهمی در ساخت قدرت و در برخی از موارد اعمال خواست اجتماعی دارد.

از طرفی دیگر، فضای مجازی میزان مشارکت اجتماعی را افزایش داده است. به طوری که، حضور در کمپین‌ها، اخذ رای برای پیگیری سیاستی خاص در عرصه اجتماعی بیشتر در فضای مجازی مورد سنجش قرار می‌گیرد که در این صورت بر افزایش تاثیرگذاری آن تاکید می‌شود. اگرچه هنوز کاستی‌هایی در این حوزه به خصوص در سازماندهی مشخص برای افزایش مشارکت به خصوص در قالب‌های رسمی وجود دارد، اما میزان مشارکت و



اعمال نظر اجتماعی پیرامون رخدادها و برنامه‌های اجتماعی به شدت افزایش یافته است. توجه به افزایش ضریب نفوذ اینترنت در ایران که از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۷ از ۲۵ درصد به نزدیک ۶۵ درصد رسیده است که نشان دهنده حضور حداکثری جامعه و ابراز خواست‌های خود در این فضا می‌تواند باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷). البته بایستی دقت نمود که تا کنون برنامه مشخصی برای بهره‌گیری از فضای مجازی برای افزایش مشارکت در ایران صورت نگرفته و این‌گونه مشارکت‌ها به صورت غیر رسمی عمدتاً تأثیرات جانبی دارند. با این وجود، این به معنای نادیده گرفتن افزایش مشارکت اجتماعی در بستر فضای مجازی نیست و می‌توان با بهره‌گیری از این ابزار گام‌های اساسی در راستای توسعه سیاسی برداشت.

همچنین، فضای مجازی اجازه ابراز خواست‌های فردی را افزایش می‌دهد. آزادی‌های فردی که در برگیرنده بیان، انتخاب، مالکیت در حوزه خصوصی است در فضای مجازی به صورت دوگانه عمل می‌کند. بدون تردید در بعد آزادی بیان فضای مجازی کمک کننده و تأثیرگذار است، چرا که ابراز ایده شخصی در خصوص موضوعات مطرح یکی از قابلیت‌های فضای مجازی است، همین‌طور آزادی انتخاب که به روشنی یک فرد می‌تواند با انتخاب‌های متعددی مواجه شده و از میان حجم انبوهی از اطلاعات و گزینه‌ها در حوزه‌های مختلف انتخاب خود را انجام دهد (اکبری تبار و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۵).

از طرفی دیگر، امکان تهدید و محدودیت حوزه خصوصی بویژه درج اطلاعات فردی در فضای مجازی باعث آسیب زدن به فرد می‌گردد. با این وجود فضای مجازی با تولید مفاهیم جدید و شکل دادن به آگاهی‌های فردی و اجتماعی زمینه ساز افزایش آزادی‌های فردی در جامعه می‌باشد. برای نمونه، افزایش آگاهی اجتماعی پیرامون نقش فرد در انتخاب و نقد کاندیداها یا سیاست‌های اعمالی در جامعه می‌تواند، منجر به حضور در تجمعات و اعتراضات نسبت به آن شود. تزریق آگاهی در خصوص مقابله با کودک همسری در ایران که عمدتاً در فضای مجازی تولید می‌گردد، زمینه ساز مقابله فردی و انتخاب فرد به عنوان یک بعد آزادی در برابر این نوع ازدواج و ممانعت از آن شده است. همین‌طور، امکان ترویج کودک همسری به عنوان مقابله با فساد جنسی از سوی عده‌ای نیز در این فضا تولید و مورد پذیرش گروهی قرار گیرد. فضای مجازی ضمن آگاهی بخشی بر فرد آزادی‌های آن را مورد تأکید و اعمال در جامعه قرار می‌دهد که این خود در عرصه‌های سیاسی نیز نمود دارد و از شاخص‌های توسعه سیاسی به‌شمار می‌رود (روشن چشم، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۷).

آنچه که در این بخش به آن پرداخته شد نقش فضای مجازی بر تولید شاخص‌های توسعه سیاسی در جامعه ایران بود که به برخی از موارد آن و وجوه مختلف شاخص‌ها پرداخته شد. در ادامه علاوه بر جمع‌بندی مطالب ارائه‌گردیده نتیجه‌گیری از مقاله حاضر انجام شده و نقش فضای مجازی در توسعه سیاسی ایران از منظر شاخص‌های توسعه سیاسی و کنش ارتباطی هابرماس به بحث گذاشته می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش فضای مجازی در توسعه سیاسی بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس می‌پردازد. عمده توجه هابرماس در نظریه کنش ارتباطی پیرامون فضای عمومی و شکل‌گیری وضعیت ایده‌آل گفتگو استوار است که این گذر را به عنوان به هم ریختن نظم سنتی و فئودالیستی برای توسعه سیاسی جوامع مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه که در حوزه عمومی مورد توجه است امکان کنش ارتباطی و ساختار بندی زیست جهان به عنوان منطبق عمل و آگاهی اجتماعی است که در ساختار سرمایه داری و فئودالی توسط سیستم تسخیر و به حاشیه رانده می‌شود. فضای مجازی به عنوان ابزار ارتباطات در جوامع زمینه ساز شکل‌گیری گفت‌وگو و کنش ارتباطی است که کمتر با محدودیت‌های مکانی و زمانی مواجه است. فضای عمومی به عنوان تلاقی میان خواست‌های فردی و منطبق اجتماعی در جوامع تبیین‌کننده نقش جامعه در ساخت قدرت می‌باشد.

به عبارت بهتر، فضای عمومی قابلیت نقش آفرینی جامعه در ساختار سیاسی همانگونه که در نمونه کمپین به آن اشاره شد و همین‌طور تاکید بر آزادی‌های فردی به صورت آگاه سازی فردی و حق انتخاب نمود پیدا می‌کند. از این رو، فضای مجازی با ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی میان اعضاء جامعه ضمن شکل‌گیری فضای عمومی در جامعه، زمینه ساز نقش آفرینی جامعه در ساخت سیاسی است. به بیان دیگر، فضای مجازی از گذر شکل دادن فضای عمومی تأثیر مشخصی بر شاخص‌های توسعه سیاسی از جمله نقش جامعه در ساخت سیاسی دارد که نمونه آن را در مثال استعفای وزیر امور خارجه و مخالفت جامعه در قالب کمپین مجازی که بالغ بر هزاران کاربر می‌شد، می‌توان شاهد بود. از طرفی دیگر، فضای مجازی باعث شکل‌گیری وضعیت ایده‌آل گفت‌وگو می‌گردد، بطوریکه افراد می‌توانند با انتخاب فردی در گروه‌های مورد علاقه عضو شده و به صورت آزادانه در خصوص مسائل اظهار نظر کرده و منتقد باشند و در عین حال نظرات مخالفین خود را نیز بشنوند. این محیط همانگونه که هابرماس به آن تاکید دارد، نوعی فقدان اقتدار و اجبار گونگی در برابر آزادی

فردی و خواست افراد می باشد. در این وضعیت، علاوه بر اینکه آزادی های فرد در سطح بیان و انتخاب تضمین می شود، میزان مشارکت برای سیاستگذاری ها نیز می تواند افزایش یابد. آزادی های فردی عنصری مهم در توسعه و تعالی است که این امر بر اساس ایجاد شرایط و زیر ساخت اجتماعی لازم برای انتخاب می توان بیان داشت. روشن است که فضای مجازی افزایش قدرت عمل فرد در حوزه انتخاب می تواند این عامل را باعث گردد. افزایش مشارکت در فضای مجازی و نقش ایده آل در حوزه فرد را نیز برای بهبود و انتخاب باعث می گردد. انتخابی که بیش از هر زمان دیگر جامعه عمل پوشیده و عرصه های گوناگون یک فرد را کاملاً در نظر می گیرد. ب

به عبارت دیگر، فضای مجازی با گسترش و تسریع در شکل گیری فضای عمومی و وضعیت ایده آل گفت و گو باعث به هم خوردن نظم های پیشین به خصوص در قالب سنتی شده و تولید کننده شاخص های توسعه از جمله نقش جامعه در ساخت قدرت، مشارکت اجتماعی و آزادی های فردی می شود. زمانی که هابرماس به حوزه عمومی به عنوان بستر کنش ارتباطی توجه می کرد با محدودیت های مکانی و امکان گردآوری افراد در محیطی با قابلیت های گفت و گوی ایده آل روبه رو بود. بر همین اساس، فضای عمومی هابرماس عمدتاً ایده آلیستی تلقی می شد، اما با توسعه فضای مجازی می توان به فضای عمومی و در نهایت به سمت شاخص های توسعه سیاسی سوق پیدا کرد. البته بایستی به این نکته نیز توجه کرد که زیرساخت های فضای مجازی به واسطه دولت ها توسعه می یابد و ممکن است محدودیت ها و کنترل هایی بر آن اعمال شود، اما این موضوع با علاقه مندی برای توسعه سیاسی و برطرف شدن مشارکت اجتماعی که اکنون در دنیا در حال گسترش است منافاتی ندارد و دولت های الکترونیک به ناچار زیرساخت های اینترنتی و فضای مجازی را تولید می کنند. در نتیجه، توسعه فضای مجازی از منظر هابرماس با تاکید بر نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی، افزایش مشارکت اجتماعی و گسترش عرصه آزادی های فردی می تواند زمینه ساز توسعه سیاسی در جوامع شود.

## منابع و مآخذ:

- اکبری تبار، علی اکبر؛ اسکندری پور، ابراهیم (۱۳۹۲) **رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی**، تهران: موسسه فرهنگی هنری تقارب و تبادل فرهنگی.
- جعفری، علی؛ روحانی، مهدی (۱۳۹۳) بررسی نقش اینترنت در توسعه سیاسی، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- حاتمی، محمدرضا؛ روشن چشم، حامد (۱۳۹۱) ماهیت رویکرد میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی با تأکید بر اندیشه‌های هابرماس، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۵.
- حاتمی، محمدرضا؛ روشن چشم، حامد (۱۳۹۰) راهکار همگرایی رشته‌های علمی در مطالعات میان رشته‌ای، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره سوم، شماره ۴، صص ۴۵-۵۹.
- خانیکی، هادی؛ اتابک، محمد؛ عزیزی، فرید (۱۳۹۶) تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس (مورد مطالعه چند گروه فیس بوک)، **فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات**، دوره هجدهم، شماره ۳۷، صص ۱۰۱-۱۳۰.
- خانیکی، هادی؛ بابائی، محمود (۱۳۹۰) تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران، **فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی**، شماره ۵۶، صص ۷۳-۱۱۵.
- روشن چشم، حامد (۱۳۹۶) تحول شرایط اجتماعی و مناسبات قدرت در بستر تحولات ارتباطی در ایران امروز، **پایان نامه دوره دکتری**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رضاییان، مجید (۱۳۹۳) شبکه‌های اجتماعی؛ چالش در تعریف افکار عمومی، **فصلنامه رسانه**، شماره ۹۴، صص ۷۹-۹۱.
- قانونی راد، محمد امین؛ جنادله، علی (۱۳۹۴) رویکردهای متعارض درباره تکوین حوزه عمومی در فضای مجازی، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، شماره ۱، صص ۲۹-۶۸.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱) **توسعه سیاسی و تحول اداری**، تهران: نشر قومس.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳)، **سیاست‌های مقایسه‌ای**، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، **نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مهدوی، محمد مصدق؛ مبارکی، محمد (۱۳۸۵) تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس، **فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی**، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱ تا ۲۱.
- میناوند، محمد قلی (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر اینترنت و توسعه سیاسی (حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک)، **فصلنامه سیاست** (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹) **بازخوانی هابرماس** (در آمدی بر آراء اندیشه‌های یورگن هابرماس)، تهران: نشر چشمه.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۲) **تحول ساختاری حوزه عمومی**، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
- Abramson, J.R. & Artenton, F.C. et al. (1998). *The Electronic Common Wealth: The Impact of New Media Technologies on Democratic Polotics*. New York.
- Bolton, Roger (2005) *Habermas's Theory of Communicative the Theory of Social Capital*, Department of Economics and Center for Environmental Studies Williams College.
- Babbie, Earl (2006) *The Practice of Social research*, 11<sup>th</sup> edition, Belmont: Wadsworth.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007), Social network sites: definition, history, and scholarship, *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1: 210-230)
- Cavelty, M. D. (2007). *Cyber-Security and Threat Politics; US Efforts to Secure the Information Age*. New York: Routledge.
- Edgar, Andrew (2006). *Habermas: The key concept*, first Published, London and New York: Rutledge.
- Frodeman, R Thompson Klein, J. Mitcham, C, y Tuana, N.(2007). *Interdisciplinary studies in science, technology and society: New directions: Science, Humanities, Policy, Technology in Society*, Vol. 29, PP, 145-152.
- Gardner, H. (2000). *The disciplined Mind*. New York: John Wiley & Sons.
- Gardner, H. (2000). *The disciplined Mind*. New York: John Wiley & Sons.
- Habermas, J.1998. *The Philosophical Discourse of Modernity*, translated by Frederich Lawrence, tenth printing, Cambridge: MIT Press.
- Habermas, J.1984. *Theory of Communicative Action*, Vol.1, translated by Thomas McCarthy, Boston: Press.
- Habermas, J.1972. *Knowledge and Human Interests*, translated by Jeremy.j. Shapiro, LondonAction and: Heinemann Press.
- Lyotard, J.F. (2003). *The Postmodernism condition in from modernism to Postmodernism: anontology*. Oxford: Blackwell.